

الگوهای شعر سنتی در معماری امروز

پژوهشگر: ارسلان زارعی (دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان)

arsalan.zarei67@gmail.com

استاد راهنما: سید علیرضا باب الحوائجی (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان)

ar.babolhvaej@gmail.com

چکیده :

معماری و ادبیات در کنار هنرهای دیگر چون نقاشی و موسیقی از جمله هنرهای اسلامی اند که از صوری و لفظی (فرم و ساختار ، ریتم و وزن) و کاربرد مفهومی ، دارای مشترکات زیادی اند . به گونه ای که در برخی موارد تردیدی باقی نمی گذارد که خواستگاه و منشأ وجودی آنها از منبعی واحد است. ادبیات ابزار تفکیک نشدنی معمار و معمار شخصی شهود گرا است. البته در ادبیات برای رسیدن به اهداف یک طراحی خلاقانه ، شعر بر سایر ابعاد ادبیات رجحان دارد. شعر در مفاهیمی چون فضا ، فرم ، سبک و در حوزه زیبا شناسی چون استعاره ، تضاد ، توازن ، نماد ، رمز و رنگ دارای مشابهات زیادی می باشد که نه تنها در لفظ ، در مفهوم و محتوا نیز نمایان است و این نشان دهنده ارتباط و تاثیر شعر سنتی در معماری امروز است. از نمونه های بارز تاثیر شعر بر معماری ، نمود مفاهیم عرفانی و صوفیانه از جمله افکار خیام ، عطار ، مولانا و سنایی بر مزار و گنبد بقاع متبرکه است. معماران دوره صفویه و قاجاریه ، موسیقایی ، هارمونی و مفاهیم شعر شاعران مذکور را دریافته و به حجم بدل ساختند. آثار معماری بدست آمده ، تبلور شاهکاری بر آمده از ارتباط و تلفیق ادبیات و معماری است.

کلید واژه : الگو ، شعر سنتی ، معماری

مقاله مذکور ، مستخرج از پایان نامه می باشد

PATTERNS OF TRADITIONAL POETRY IN TODAY'S ARCHITECTURE

Researcher: Arsalan Zarei (MA student in Islamic Azad University/ Ardestan branch)
arsalan.zarei67@gmail.com

Guidance Professor: Alireza Bab-ol Havaeji (Assistant professor and member of Islamic Azad University
Board/Ardestan branch)
ar.babolhavaej@gmail.com

ABSTRACT:

Architecture and literature, along with other arts such as painting and music, are among Islamic arts that have plenty of common points for their visual and verbal aspects (form, structure, rhythm and weight) and conceptual applications, such that there is no doubt that their origins and existence are by a unique creator. Literature is the inseparable tool of architects and architects are intuition-oriented. However, in literature and to reach a creative design aim, poetry is prior as compared to other literature dimensions. Poetries have great similarities in the concepts, such as space, form and, style, and in aesthetic domains, such as metaphors, contradictions, balances, symbols, secrets and colors, which are not only revealed in word, but also obvious in the concepts and contents. This indicates the relation and effect of traditional poetry in today's architecture. One of the clear examples in the effects of poetry on architecture is the indication of mythical and theosophical concepts, including the thoughts and ideas of Khayyam, Rumi and Sanaei on the gravestones and domes of religious monuments. Safavid and Qajarid architects found the music, harmony and concepts of the poetries by the mentioned poets, transforming them into volumetric shapes. The obtained architectural works indicate prominence derived from the relation and combination of literature and architecture.

Keywords: *Pattern, traditional poetry, architecture*

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
«միջազգային արևելագիտական գիտաժողով»
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

مقدمه :

شعر در ادبیات ، هنری کاملاً واضح در جهانی مشترک با معماری است .شعر بیان احساس انسانی در قالب واژگان و معماری هنر خلق فضا ست . نقش بستن اشعار شعرا در بناها و آرامگاه ها ، نشان از عجین شدن معماری و شعر دارد . در این مقاله ضمن بررسی وجوه مشترک شعر و معماری ، به رابطه عمیق شعر و معماری می پردازیم . شعر واقعیت را به تجرید می کشد و معماری از تجربدها به سمت واقعیت حرکت می کند و احساس متعالی شاعرانه را به یک فضای ملموس مبدل می سازد . شعر بیانگر «یکتایی» و فضا و مکان لازمه هر طرح ملی ، منطقه ای و محلی است . شفافیت و سبکی از عوامل مشترک شعر و معماری است که در نور می توانند با یکدیگر هم آوا شوند و با ذات نوری خود فاصله ها را از میان بردارند و معماری که شاعر فضای شایسته زندگی است ، در آزاد منشی ، شعر ، همنشینی با تلاش های خلاقانه را می جوید .

(تقوی، ۱۳۸۷ ، ص ۲)

مفهوم ادبیات

ادبیات یکی از گونه های هنر است و واژه ، مواد و مصالح مورد نیاز شاعر و نویسنده است ، تا به کمک عواطف و تخیلات از آن استفاده کنند در آثار ادبی ، نویسنده و شاعر می کوشد عواطف و احساسات و اندیشه های خود را در قالب مناسب ترین و زیباترین جملات و عبارات بیان کند . و این واژگان همان آثاری است که مردم آن ها را شایسته نگهداری می دانند و از خواندن و شنیدن آن لذت می برند .

مفهوم معماری

در زبان عربی واژه معماری از ریشه «عمر» به معنای عمران و آبادانی است و «معمار» به معنی آباد کننده است . در زبان فارسی برابرهایی گوناگونی برای آن آمده است ، مانند «والادگر» ، «راز» ، «بانی کار» و «مهراز» .مهراز به معنی مهتر و بزرگ بنایان است این واژه برابر مهندس معماری به تعبیر امروزی است .

(خا مسی هامانه ، ۱۳۹۲ ، ص ۱)

تأثیر ادبیات در معماری

ادبیات یا بهتر بگوییم قطعه و نثر ادبی به مثابه «صورت مسئله» معماری ، از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ، مورد توجه بسیاری قرار گرفته بود . معمارانی چون «هجداک» ، «رودولفو» ، «ماچادو» ، «سیلوتی» و «والدمن» در این زمینه پیشتاز بوده اند . آنها روایت های عملی معماری را با نوشتاری انگیزه بخش و تفسیر پذیر ارائه نموده اند که می توان تاویل های متفاوتی از آن ها فراهم ساخت . بدیهی است ، چنین آثار هنری که تنها تاویل و چالش ، بلکه بسط و توسعه تفکر انتقادی از موضوعات فردی در تقابل با موضوعات جمعی را نیز به همراه می آورد . قطعه ادبی سه بخش ماچادو در معماری و ادبیات ، شاید بهترین گواه از قدرت رابطه دو سویه معماری و ادبیات باشد . پی نوشت او بر این اثر بیانگر همین امر است .

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

« افسانه ها گواه تمایل به واقعیتی دیگرند واقعیتی که با بیشتر واقعیات ساخته شده موجود متفاوت است. در آنجا نیروی انگیزه بخش در این است که باعث شویم ، خواننده آرزو کند که آنچه را که متصور شده است ... آیا ما نمی خواهیم آنچه که تاکنون وجود داشته است ، به وجود آید؟»

(منبع: بوطیقای معماری، آنتونی سی. آنتونیادس)

روایتگری یا افسانه پردازی معماری به جهت سودمند بودن باید شرایط ذیل را محقق کند :
ارزشمند ، خوشایند ، شخصی و در عین حال جهانی اصیل و اندیشمندانه و بیانگر نیازهای درونی برای نقد از خویشتن باشد.
انگیزه بخش ، تاویل پذیر و جهت به چالش کشیدن خواننده به اندازه کافی مبهم باشد.

(منبع : بوطیقای معماری، آنتونی سی. آنتونیادس)

برتری شعر بر ادبیات

غیر منطقی و نابخردانه است ، اگر از معماری که حماسه فردوسی را مطالعه نکرده ، بخواهیم با عنایت به شیوه زندگی مردم ایران باستان و چشم اندازه‌های آنان ، به طراحی بپردازد. حماسه و اشعار کهن هر سرزمین شالوده ساختمانی ایام کهن و گذشتگان را آشکار می کند. سبک معماری هر دوره ، انعکاسی از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می شود. به طور مثال از بطن شاهنامه فردوسی می توان به معماری باغ مزار و یا سنت ساختن مزار و دخمه در بالای سطح زمین و یا طراحی باغی که آبیگری در میان آن قرار گرفته ، پی برد.

به باغ اندرون دخمه ای ساختند سرش را به ابر اندر انداختند
برابر نهادند زرین دو تخت بدان خوابگاه شد گو نیک بخت

(سلطان زاده ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۲)

اگر تهیه «دست مایه های شاعرانه» به مثابه مسئولیتی فردی برای معماری ملی و منطقه ای در نظر گرفته شود ، مطالعه « اصول عملی» شعر می تواند به غنی تر شدن کلیت معماری ، در هماهنگی با ارزش های جاودانی که بیشتر نوع بشر در آن سهیم هستند ، ما را یاری دهد. ما باید حکمت بنیادی شاعران را با توجه به آثارشان ، و نیز مصادیق جهان شمولی که به بهترین وجه ، برتری شاعرانه را نشان می دهند ، درک کنیم.

هر معماری باید این اشعار و مفاهیم آن را مورد تامل قرار دهد و با هدف قرار دادن همان قواعد و محدودیت های پنهان در شعر ، تمرین های طراحی ذهنی و واقعی را روی آنها انجام دهد.

اصول کلی برتری شاعرانه عبارت اند از :

۱- جنبه های شکلی در برابر جنبه های معنایی شعر.

۲- وزن به مثابه شگرد و ساختار شعر.

۳- همبستگی شعر و موسیقی .

۴- تقابل خلوص و سنگینی متاثر از درونمایه های اجتماعی.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

۵- کمینه سازی استفاده از ابزار در بیان (بلند در برابر کوتاه) و تاثیر زیبا شناختی مطلوب.
۶- ناهمسازی هریک از موارد مذکور با رویکردی که منجر به یکتایی (منحصر به فرد بودن) شعر می شود.
(بوطیقای معماری ، بخش هفتم)

امروزه شعر نو و نیمایی در ادامه شعر کلاسیک قرار گرفته است . شعری با مبانی نوین و زبانی نو. ضمن آنکه کاملاً ایرانی و ریشه دار است و این دلیل استواری زبان شعر نو است.

مبانی شعر نو عبارتند از : شخصیت انسانی شاعر ، دغدغه های اجتماعی و نه زمینی که باعث زیبایی غالب در شعر می شود. نادر نامه پور شاعر دوره معاصر در میان اشعار تغزل آمیز می گوید:

پیکر تراش پیر م و با تیشه خیال
یک شب تو را ز مرمر شعر آفریده ام

معشوق در این بیت ، اثیری و دست نیافتنی نیست ، بلکه ساخته دست شاعر است ، در قالب شعر و با خیال . بار زمینی و کاملاً محسوس است.

این معانی نوین نشان دهنده رشد شعر ایران ، نزدیک شدن به زمان و زبان امروز دارد. در حوزه زبان و قصه هم به علت تحولات دوران روشنگری ، شاهد تحول در دوره تاریخی معاصر هستیم. ضرورت بیان وظایف تازه ، نسبت بکارگیری شکل های تازه ادبی و ورود موضوع ها و شخصیت های تازه به عرصه ادبیات می شود. جای شکل های کهنه ادبی را که کاربرد زیبایی شناختی خود را از دست داده اند ، شکل تازه ادبی می گیرند.

(میر عابدینی ، ۱۳۷۷ ، ص ۱۷)

در کل امروزه ، شعر ، هنر و معماری ، توانسته خود را مدرن سازد ، بی آنکه ریشه هایش را فراموش کند. در بین اشعار سنتی و نو ، اهمیت و با معنایی «هایکو» یا «طرح» این شعر هفده سیلابی به عنوان فلسفه طراحی معماری و فلسفه وجودی و سر نمونه جهانی ، نسبت به شعر حماسی بیشتر است. در نهایت باید گفت ، هایکو یا هر فرم دیگر از هنر که قوه تصور را به جنبش وا دارد و معمار را به بهترین توانایی های ذهنی و انتقادی ترغیب کند ، ابزار استعاری مناسبی برای معماری است . آن زمان که شعر به والاترین درجه برتری برسد و معمار ، ساختمانی مبتنی بر اصول و قواعد بنا کند ، آوای هریک در دیگری طنین اندازد و زیبایی و جذابیت آن دو چندان می شود.

کاربرد شعر و ادبیات در معماری

از عوامل بنیادی مشترک بین واژه و معماری ؛ سبکی ، شفافیت و شاید تمام هستی است.
شعر و ادبیات به شیوه های زیر می تواند در راهبردهای آموزشی در حیطه معماری ، سودمند واقع شود .
-از طریق مشاهده قواعد حاکم بر ساختار اثر ویژه ادبی یا شعر.
-از طریق مشاهده شیوه ای که نویسندگان و شعرا تلاش می کنند از طریق آن پیام مرکزی را که جوهره طرح کلی است ، آشکار سازند.
-از طریق شیوه برخورد نویسندگان با راز و شگفتی.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասադի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

- از طریق کمینه‌ساختن ابزارهای بیان و تلخیص نظامی که فرد برای خلق اثر بر می‌گزیند.
- از طریق معنایی که به واژه‌های مختلف و وضعیت‌ها اختصاص داده شده است.
- از طریق کاربرد ویژه زبان، بافت در کاربرد واژه‌ها و بافت کلی اثر ادبی.
- از طریق تقابل وزن، قافیه و آهنگ کلی اثر که با دشواری کلام آهنگین (مقفا) ارتباط دارد.
- از طریق تأکید بر فرم در برابر معنا.
- از طریق آهنگ کلی قطعه (شعر یا رمان) به‌عنوان تفسیری انتقادی از زمان و مکان خود یا قطعه‌ای که بیان‌گر خرد عمومی و رویکرد کلی مردم نسبت به موضوعات مورد تفکر است.
- از طریق سهم ارزشمند تفاسیر نویسندگان و شعرا از حرفه خود و همچنین سهم نقد-ادبی مجموعه‌ای کامل از نظام زیبایی‌شناختی که ارتباط بسیار قوی با زیبایی‌شناسی معماری دارد.

(منبع: بوطیقای معماری، آنتونی سی. آنتونیادس)

انواع تاثیرگذاری شعر و ادبیات بر معماری

- الف) مستقیم: به شیوه تعبیر ظاهری از محیط که در آثار ادبی توصیف شده اند که این شیوه اگر از راه مستقیم عناصر فردی و فضای فردی باشد تعبیر «ایستا» و اگر از راه ارتباط انتزاعی و حال و هوای فضایی و جوهره کلی قطعه ادبی باشد، تعبیر پویا به کار می‌رود.
- ب) مرکب: حداکثر تاثیر گذاری ادبیات بر معماری است، که در آن معمار تحت تاثیر آنچه خوانده قرار می‌گیرد و قبل یا بعد از طراحی پروژه اش ایده‌های خود را می‌نویسد. آثاری که تحت تاثیر مرکب قرار دارند خلاقانه اند و در قالب مقالات تئوری آنها را مطرح می‌کنند.

(نگین افشاری، ۱۳۸۵، ص ۴)

مشابهات معماری و ادبیات

مطالعه بین معماری و ادبیات (به خصوص شعر) مستلزم ورود به هر دو، رصد و ارائه مشابهات و گاه تفاوت این دو می‌باشد.

۱- فضا

یکی از اهداف تمام هنرها ایجاد نوعی فضای عاطفی و روحی است. فضای معماری کالبدی است که از طریق بصری درک می‌شود و در دل خود عناصر مادی را جای داده است. فضای معماری دارای روح می‌باشد و در ذهن انسان هدف خاصی را ابقا می‌کند.

سه مرحله در سیر تحول تصور فضایی در طول تاریخ معماری قابل بررسی است:

الف) توجه به فضای خارجی ساختمان‌ها ترکیب اجسام و جلوه‌گر ساختن قدرت و تاثیر احجام بر یکدیگر.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

ب) توجه به فضای داخلی ساختمان هاست.

ج) تاثیر و تاثر فضای داخلی و خارجی بر یکدیگر است. این مفهوم فضا هنوز در مرحله تکامل است.

(خامسی همامنه ، ۱۳۹۲ ، ص ۲)

هر فضایی در معماری ، قابلیت انعکاس و انتقال مفاهیم را دارد. بخصوص زمانی که فرهنگی غنی پشتوانه خلق فضا باشد. لذا شناخت مظاهر و علائم فرهنگی موجود در کالبد معماری ایرانی به شناخت مفاهیم و ارزش های فرهنگی کمک می کند. شاعر نیز در زندگی خود به نگرشی خاص می رسد که چون بخواهد آن را به دیگران انتقال دهد باید فضایی ایجاد کند که آن فضا شعر است.

سهراب سپری در کتاب هنوز در سفرم می گوید :

« در باغ ایرانی جوی آب با کاشی های آبی چیزی است بیش از نصف آسمان چیزی مقدم بر انعکاس آبی . »

شاعر فضای شعری خود را قالبی برای انگیزش خاص در دیگران قرار می دهد؛ در نتیجه با توجه به نگرش خاص هر فرد نسبت به دیگری زبان های گوناگون در شعر به وجود می آید که مختص هر فرد است .

مفهوم فضا در ادبیات و معماری ، جدا از تفاوت های کاربردی در کل ، در ایجاد فضای ذهنی برای خواننده و بیننده که براساس فرهنگ جامعه رقم خورده دارای تشابهات غیر قابل انکاری است.

۲- فرم

شکل یا فرم در تمام آثار هنری ، عامل مشترک محسوب می شود . فرم در معماری توده فیزیکی یک شی است که سه بعدی بوده و وزن دارد . فرم معمولا به پوسته بیرونی مناسبت داده می شود.

رومن یاکوبسن ، هر شعر را دارای ساختاری در بردارنده عناصری که بنابر درجه های متمایز زبانی با یکدیگر ترکیب می شوند ، دانست. از آنجایی که زبان از لایه هایی تشکیل شده که همه شان موجودند ، این توازن در تمامی سطوح شعر نمایان است . هیچ جزئی از ساختار نمی تواند دگرگون شود بی آنکه سایر اجزا را تغییر دهد.

(احمدی ، ۱۳۷۲ ، ص ۷۶)

درباره فرم در شعر باید گفت شاعر در یک شعر ، واژه و ترکیب هایی را انتخاب می کند تا عناصر شعر به زیبایی و بدون ابهام خود را نشان دهند و مثل شاملو با « مثنایها » ، هر فرمی در فضای عاشقانه سهراب سپری با فرمی در فضای روح لطیف فروغ فرخزاد با فرمی در فضای عاطفی .

۳- سبک

سبک واژه لاتینی و به معنی نوعی قلم فلزی است که برای نقش کردن حروف و کلمات بروی الواح بومی بکار می رفته است. در ادبیات سبک به معنای طرز بیان اندیشه و روش خاص ادراک و بیان افکار از رهگذر ترکیب واژه ها و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

(رضایی، ۱۳۸۲، ص ۳۲۳)

آقای محمد کریم پیر نیا به پیروی سبک شناسی شعر فارسی سبک های معماری را به زادگاه های آنها نسبت داده و نام خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی را در معماری پیشنهاد داده است. بناهای تاریخی ایران را هم به پارسی، پارتی، خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی دسته بندی کرده اند. در این میان سبک معماری با ورود اسلام دستخوش تغییرات تدریجی و آرامی شد. «شیوه خراسانی» (از قرن اول هجری تا قرن چهارم) بر اساس اصولی چون سادگی، دوری از بیهودگی، مردم واری و استفاده از مصالح بومی استوار بوده است.

(شمس اللهی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۳)

شیوه رازی در دوره آل زیار و ساسانیان آغاز و تا دوره خوارزمشاهیان ادامه می یابد. شیوه اصفهانی آخرین شیوه در معماری ایرانی است که با ساده شدن طرح ها و استفاده از اشکال هندسی ساده و بر خلاف شیوه آذری همراه است که البته این کار باعث پایین آمدن کیفیت بناهای معماری شد.

(همان، ۱۳۸۶ ص ۲)

مشترکات شعر و معماری در حوزه زیباشناسی

۱- استعاره

هرگاه واژه ای به دلیل شباهت به واژه دیگری به جای آن بکار رود استعاره ایجاد می شود. استعاره همان تشبیه است، با این تفاوت که یکی از طرفین تشبیه ذکر نشود. آنگاه که اخوان می گوید: «مرگ میگوید هوم ای پر بیهوده / زندگی می گوید: اما باز باید زیست / باید زیست / باید زیست...»، به مرگ و زندگی شخصیت می بخشد و این تعالی ترین نوع استعاره یعنی آنیمیسیم است که در آن اشیا دارای روح و صفات و عطر و بو و در واقع نفس می باشد.

(محمد مفتاحی، ۱۳۸۶، ص ۳)

استعاره در حیظه معماری هم به معنای بکارگیری عناصر به شیوه ای است که با خود لایه های معنایی زیاد شونده را به همراه آورد «به واسطه بیان استعاری اثر واحد ابعاد زیاد شونده و گسترده معنایی می گردد که اثر را قابل تاویل تر و مانا تر می کند».

(غیور، ۱۳۸۶، ص ۲)

استعاره به سه دسته تقسیم بندی می شود:

الف) استعاره نا محسوس: یعنی سرچشمه نخستین خلق اثر، نوعی مفهوم ایده حالت انسانی یا کیفیتی ویژه باشد.

ب) استعاره محسوس: یعنی منشا خلق اثر بعضی ویژگی های بصری یا مادی باشد.

ج) استعاره ترکیبی: ترکیبی از هر دو استعاره نا محسوس و محسوس باشد.

استعاره همان گونه که در شعر قوی تر از تشبیه و باعث زیبایی مفهوم شعر می شود در معماری نیز از متداول ترین راهبردهای ایجاد خلاقیت و بسیار مهم و اساسی محسوب می شود.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

تضاد

از نظر لغوی به معنی ناسازگاری و ضدیت است. تضاد در شعر آرایه ای است که یک یا چند واژه به صورت قرینه در برابر هم یا ضد یکدیگر قرار بگیرند.

معماری نیز دوگانگی را به جهت غنای بیشتر مفاهیم می پسندد و به کار می برد
« معماری اسلامی میان بیرون و درون بنا تفاوتی آشکار قائل می شود. این حالت در مساجد به انتها درجه خود می رسد به این معنا که آدمی با سیر میان داخل و خارج در واقع سیر میان خلوت و جلوت، باطن و ظاهر و همچنین وحدت و کثرت می کند.» (باوندیان، ۱۳۸۲، ص ۸)
در کل معماری سنتی با تضاد مثبت و منفی به تکامل و جذابیت طرح کمک می کند.

توازن

«ریتم تختستین عامل مشترکی است که در هر یک از هنرها مانند شعر موسیقی نقاشی معماری و ... آشکار می نماید.» (فلامکی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۱)
در شعر سنتی هم توازن و تقابل میان دو مصراع بیش از هر چیز دیگری به چشم می خورد. در معماری تعادل و تقارن در طراحی ایده ها باعث ایجاد مواردی در اجرای ساختمان می شود. این موارد غیر از فضا سایر ابعاد مثل مواد، رنگ ها، جنس، طرح ظاهری و... را نیز در بر می گیرند که باعث ایجاد نظمی برتر و فراگیر و ایجاد وزنی ادراکی می شود.

نماد و رمز

از دیگر ویژگی های هنر اسلامی رمز یا نماد گرایی و سنبل است.
(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، ص ۵۲)
«رمز گفتن، بیان کردن مقصود با گفتار و یا شیوه ای است معنا جز بر کسان محدود، مخفی می ماند. به رمز گفتن بیان کردن مقصود یا نشانی ها و علائمی است که مقصود، از غیر و دشمن و بیگانه پنهان می ماند.» (جمالی، ۱۳۸۶، ص ۴)

«در شعر سنتی فارسی تشخیص زبان و رمز پردازی است که در آن مصالح و ترکیبات (نظیر کلمات) در عین کارکرد هنری خاص زیبایی شناسانه، محمل القای رمزی نیز می شوند. ساقی، می، شاهد و خرابات و... در واقع رمزی و اشارتی برای مطرح ساختن حقایق هستند.» (سنجری، ۱۳۸۶، ص ۷)

معماران سنتی جهت ایجاد پیوندی میان جهان ناسوت جهان لاهوت و تحقق رسالت بزرگ فرهنگی خود، شکل ها، نقش گیاهان، جانوران و اجرام سماوی را بر اساس مفاهیم نمادی به کار می بردند و در این راه از دو شیوه واقع گرایانه و آرمان گرایانه سود می جستند.

شیوه واقع گرایانه یعنی تقلید از زیبایی های طبیعی اشکال و حجم های موجود در طبیعت زیست بومی و استفاده از آنها در طراحی و ساخت بنا.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

شیوه آرمان گرایانه به معنی توجه و نگاه عمیق به معانی و مفاهیم اشکال طبیعی در فرهنگ و راز و رمز های پوشیده آن در ذهن جامعه.

رنگ

از نظر علمی، رنگ عبارت است از امواج نور که به کمک حس بینایی تشخیص داده می شود. رنگ نیز چون نور دارای ارزش نمادین است. « تاثیراتی که رنگ ها روی ناظران می گذارند تابع سه عامل می باشند. الف) مکانی که رنگ در آن به کار رفته. ب) فرهنگ. ج) عوامل اجتماعی و روانی.

همچنین رنگ ها دارای وزن ادراکی می باشند یعنی فضا هایی که با رنگ های روشن تزئین شده اند به نظر سبک تر از فضاهایی می آیند که با رنگ های گرم و سنگین مانند نارنجی یا قرمز تزئین شده اند. همچنین رنگ های گرم فضایی بسته و رنگ های سرد فضایی باز را القا می کنند.»
(گروتر، ۱۳۷۵، ص ۴۹۷-۴۸۸)

رنگ در ادبیات و شعر نیز چون معماری کاربردی نمادین دارد، چنان که سبز و سفید و آبی و بی رنگی مظاهر تازگی، پاکی آسمان و بی تعلقی است. رنگ سبز متضمن عالی ترین معانی عرفانی و رنگ سرخ رنگ خون و سمبل تجدید حیات و سیاه نماد ابلیس است.

رنگ آبی از آن این دنیا نیست. القا کننده ابدیتی آرام و فوق انسانی، بلکه غیر انسانی است.
(سمات، ۱۳۸۶، ص ۶)

تاثیر اشعار عرفانی بر معماری

عرفان ایرانی از حکمت خسروانی بر آمده و مانند مراحل تکامل بشر از توتوم پرستی تا خدای نا دیدنی پیشرفته و در نهایت اسلام در آمیخته تا قرن ششم در رباعیات خیام، نمود پیدا کرده است. عرفان ایرانی به تعادل بین عناصر چهار گانه (آب، خاک، باد و آتش) و مزاج چهار گانه (سودا، صفرا، دم، بلغم) تعادل بین نفس و روح و عقل و قلب می اندیشد.

این تعادل خودیت انسان را به شادی و سرور و شعفی عرفانی سوق می دهد.

تعادل میان عقل و قلب غزلیات سنایی در معماری خود را به صورت چهار ستون یا مربع که هشتی شکل تکامل یافته نشان می دهد و در وسعت اندیشه با دیدن آن همان تعادل را متبلور می سازد.

مهندس امانت در طراحی میدان آزادی تهران (شهید قدیم) تعادل در فرهنگ ایرانی را در قالب دو کبوتر سفید بی دم که بالهایشان بر روی زمین کشیده شده و چهار ستون استوار را ساخته اند به تصویر می کشد. در قوس بال های دو کبوتر که تا بالای برج ادامه دارد آزادی و آزاد منشی در شش ضلعی پنجره های بالا های برج که به دانه های انار می ماند، شادی و سرور را القا می

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն՝ ի մեծարումն Սասադի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

کند جدول بندی خانه زنبوری کف به سوی بالای برج ، یاد آور اتحاد اقوام ایرانی و در سایه معانی است که تعادل عناصر چهارگانه معنا پیدا می کند.

عطار عارف از خود بیخود است و اشعار اخلاقی و عرفانی او از عقلانیت و تعادل ایرانی پا فراتر می گذارد. او در ریاضت بی وقفه خود سد جسمانی را می شکند.

من نمیرم چون که بی جان می زیم سر نهاده در بیابان می زیم
معماران دوره صفویه توانستند، موسیقایی و هارمونی و مفاهیم اشعار عطار را درک و به حجم بدل سازند. اینجاست که مهندس سیحون گنبد مزار عطار را به شکل یک غنچه گل سرخ که سنبل عرفان عطار است، طراحی می کند؛ زیرا درک کرده است که صوفی در راه خدا به فنا و شادی دست یافته و این اساس غنچه بسته گل سرخ را برای او تداعی کرده است.

مهندس سیحون مزار کمال الملک را به جهت همخوانی با مزار عطار شبیه یک دسته گل نیلوفر طراحی کرده به گونه ای که در اوج مدرن بودن انسان را به یاد دوران مظفرالدین شاه و هنر بی آرایش آن زمان می برد.

از اواسط دهه پنجاه تا پایان دهه شصت آثار معماری در ایران تحت تاثیر مولانا و موسیقایی کلام شعر او ساخته شد. به همین علت آثار این دوره مانند مسجد میدان هفتم تیر تهران ریتم فرم گرا دارند ، اما چون غزل مولانا ماهیت ایرانی از خود بروز نمی دهد و از احساس تهی است.

معماران بزرگی چون مهندس نادر خلیلی تحت تاثیر اشعار عرفانی مولانا اشعاری که از وحدت وجود و عناصر چهار گانه پر بود، الهام گرفت تا از مواد طبیعی برای ساخت مسکن مدرن استفاده کند.

خلیلی می گوید : وقتی در صحرا بودم با پنج شخصیت ابدی آشنا شدم خاک ، آب ، باد ، آتش و مولوی. من معنویت را آموختم که در زندگی خودم جاری و ساری شده است ؛ حتی کار من در هسپریانیداز مولوی الهام گرفته است.

کوشیدم راهی به آنها نشان بدهم که چگونه می توان از تلفیق معماری سنتی و تکنولوژی جدید برای زندگی مدرن استفاده کرد.
معمار صفویه ، گنبد امام حسین (ع) را به شکل یک قطره اشک یا شعله شمع و گنبد ائمه که تحت نظر یا زندانی بودند با ساق گنبد بلند که تداعی کننده استقامت و صلابت آنهاست و یا گنبد امام علی (ع) را فراخ و گسترده که گویای اقتدار ایشان است ، طراحی می کند.

در نهایت باید گفت از آنجا که یک معمار تا به ادراک نرسد معمار نیست پس بدیهی است که معماران ایرانی شعر و ادبیات تصوف معانی و مفاهیم عرفانی را به خوبی درک و در قالب آثار معماری بی نظیری متبلور نموده اند.

نتیجه گیری

بسیاری از واژه ها در معماری و ادبیات (اعم از نظم یا نثر) کاربرد مشترکی دارند که گاه این اشتراک هم در لفظ و هم در مفهوم و محتواست.

فضا تاثیر زیبا شناختی یک اثر ادبی و هنری است . فرم ترکیب عناصری است که یک مجموعه کامل و زنده را به وجود می آورد ، سبک طرز بیان اندیشه است .

حرکت در هنر وسیله ای است برای درک فضا.

استعاره یکی از روش های آفرینش و خلاقیت است.

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

تمام موارد مذکور به همراه اصطلاحات دیگری چون رنگ ، تضاد ، تقابل ، تناسب ، توازن و تقارن از جمله مشترکات مبانی در دو شاخه معماری و ادبیات هستند.

نیما یوشیج مبانی و مبدا ساخت و تشکیل در شعر فارسی است که انقلابش در شعر ناشی از دیدگاه مثبت به جهان و هستی است. در شعر نو و شعر حجم ، فضا و کلمه به ارتباط تنگاتنگی دست می یابد که می توانند فرضیه ذهنی مبانی معماری باشد. در ارتباط ادبیات و معماری ، شعر بر ادبیات رجحان می یابد و در بین انواع شعر سنتی و نو هایکو مانند استعاره ای برای هدف غایی شعر معماری مورد استفاده قرار می گیرد.

بدون تردید شعر و ادبیات حس خیال انگیزی خود را چون هدفی استعاری به معماری برای استعلا و برتری، وام می دهد. پس اگر بخواهیم میان کل ادبیات و معماری مقایسه ای انجام دهیم به طور قطع باید گفت بهترین توصیفات فضاهاى شهری امروز آنهایی است که شعرا و نویسندگان در آثار خود نوشته اند.

از آنجاست که فروغی می نویسد :

« اگر پاریس هیچ گاه ساخته نشده بود؛ شاید یک طراح شهری زبده می توانست با انکا به توصیفات میلر آن را بسازد. »

(فروغی ، ۱۳۸۳، ص ۱۲۱)

از پژوهش مذکور می توان چنین نتیجه گرفت ، که رابطه ادبیات و معماری یک رابطه دو طرفه است زیرا با ادراک سر و کار دارد. همانگونه که وقتی یک شاعر در تماشای حجم های معماری اصفهان و یا یزد ناخودآگاه اشعارش گرایش فرمالیستی پیدا می کند. نمی توان عامل را از معلول جدا نمود زیرا همه پدیده ها بر هم تاثیر گذارند.

همه امور در عرفان مولانا به خدا بر می گردد :

این همه خود تو می کنی بی تو بصر نمی شود

کنفرانس بین المللی شرق شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
«Պարսից գրականություն և պատմություն` ի մեծարումն Սասաղի Շիրազիի»
միջազգային արևելագիտական գիտաժողով
International Conference On Oriental Studies, Persian Literature And History

فهرست منابع :

- میر عابدینی ،حسن، صد سال داستان نویسی ایران ،مجله اول و دوم ،نشر چشمه، چاپ اول ۱۳۷۷،
سلطان زاده حسین معماری شهرسازی به روایت شاهنامه نشر فرهنگ و معماری چاپ اول ۱۳۸۲
فروغی محمود معماری پویا نشر خاک چاپ چهارم ۱۳۸۳
احمدی بابک ساختار و تاویل متن نشر مرکز چاپ ششم ۱۳۷۲
رضایی عربعلی واژگان توصیفی ادبیات نشر فرهنگ معاصر چاپ اول ۱۳۸۲
شمس اللهی بهنوش مقاله سبک شناسی معماری ایرانی ۸۶/۱۲/۱۲ (www.fokoohi.com)
مفتاحی محمد مقاله نگاهی به استعاره های شعر امروز شعر نقاشی کلمات ۸۶/۱۲/۲۱ (atiban.com)
غیور زهرا مقاله استعاره در معماری ۸۶/۱۲/۱۲ (www.aftab.ir)
یاوندیان علیرضا حکمت هنر اسلامی نشر شاملو چاپ اول ۱۳۸۲
جمالی منوچهر رمزهای شاهنامه ۸۶/۱۲/۱۳ (www.mahmag.org)
شفیعی کدکنی ، محمد رض صور خیال در شعر فارسی نشر آگاه چاپ چهارم ۱۳۷۰
فلامکی ، منصور و دیگران معماری و موسیقی نشر جامی چاپ اول ۱۳۷۹
سنجری محمود نگاهی به کارکردهای اسطوره های شعر سنتی فارسی ۸۶/۱۲/۱۰ (www.iranpoetry.com)
بمات نجم الدین رنگ آبی در معماری اسلامی ۸۶/۹/۲۶
گروتر پورگ زیبا شناختی در معماری ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون نشر دانشگاه تهران ۱۳۷۵
تقوایی سید حسین از سبک تا هوین در معماری نشر هنر های زیبا دوره ۱۷ شماره ۲۰ تابستان ۱۳۹۲
مرباغی بهروز مقاله گفتگوی شعر و هنر با مبانی نظری معماری <http://www.memarnet.com/fa/node>
مقاله معماری پایدار در آمریکا با الهام از اشعار مولوی .
مقاله معماری و ادبیات تا ابتدای مدرنیته <http://ammi.ir>
هامانه خامسی مقاله جستاری در مشابهات معماری و ادبیات- <http://www.civilica.com>
صالحی ، ابرقویی نیلوفر مقاله معماری شعر.
افشاری نگین مقاله کاربرد شعر در معماری <http://www.chouk.ir/maghaleh-naghd-gotogo.html>
مقاله خویشاوندی های ادبیات و معماری <http://forums.memarfa.com/thread> (۷۰۲۵) <http://www.chouk.ir/maghaleh-naghd-gotogo/۱۰۳۷۰-۲۰۱۴-۱۱-۰۱-۰۷-۲۹-۰۰.html>
صالحی ابرقویی ، نیاوفر ، ذبیح نیا عمران ، آسیه ، مقاله رد پای شعر در معماری
مقاله رابطه ادبیات و معماری در ایران (<http://www.tebyan.net>)
<http://www.jmmj۸۴.blogfa.com/post-۲۶۱.aspx>
<http://www.chouk.ir/maghaleh-naghd-gotogo/۱۰۳۷۰-۲۰۱۴-۱۱-۰۱-۰۷-۲۹-۰۰.html>
<http://sabrakhazaeli۲.blogfa.com/post/۷>
بوطیقای معماری، آنتونی سی. آنتونیادس.